عامل قتل پارک بیسیم جرمش را انکار کرد

مردی که بعد از ارتکاب قتل در پارک بیسیم، به صورت قاچاق از کشور گریخته بود، پس از بازگشت به کشور بازداشت و روز گذشته محاکمه شد.

به گزارش خبرنگارما، ۳۱ مردادسال ۹۵، مأموران پلیس پایتخت از مرگ مشکوک پسری به نام محمد در یکی از بیمارستان‌های شهر باخبر و راهی محل شدند. شواهد نشان می‌داد محمد و دوستانش سوار خودروی ۲۰۶ بوده که در جریان درگیری با دو موتورسوار با ضربه چاقو به قتل رسیده است.

در تحقیق از شاهدان حادثه مشخص شد سرنشینان موتورسیکلت به نام‌های سپهر و کیوان بلافاصله بعد از حادثه از محل متواری شده و به مکان نامعلومی گریخته‌اند. با ثبت این اطلاعات سپهر و کیوان تحت تعقیب مأموران قرار گرفتند تا اینکه سپهر شناسایی و بازداشت شد. او در بازجویی‌های به درگیری با سرنشینان ۲۰۶ اعتراف کرد، اما کیوان را عامل قتل معرفی کرد. در حالیکه تحقیقات برای شناسایی کیوان ادامه داشت، مشخص شد کیوان به صورت قاچاقی از ایران گریخته و به کشور ترکیه رفته است. تلاش برای ردیابی وی ادامه داشت تا اینکه متهم اردیبهشت‌سال ۹۶ به ایران بازگشت و خودش را تسلیم پلیس کرد.

کیوان بعد از شرح ماجرا و اقرار به جرمش روانه زندان شد و پرونده بعد از کامل شدن تحقیقات به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

صبح دیروز پرونده روی میز هیئت قضایی به ریاست قاضی قربان‌زاده قرار گرفت. بعد از اعلام رسمیت جلسه اولیای دم درخواست قصاص کردند سپس کیوان در جایگاه ایستاد، اما جرمش را انکار کرد و گفت: «من در قتل نقشی نداشتم. با دوستانم در پارک تفریح می‌کردیم و بعد از شرب خمر من و سپهر سوار موتور شدیم و قصد داشتیم در پارک دوری بزنیم که همان لحظه مقتول و دو دوستش با خودروی ۲۰۶ مقابل ما ایستادند. آنها را می‌شناختیم. سرنشینان ۲۰۶ که مست بودند بی‌دلیل به ما فحاشی کردند و همین بهانه درگیری شد. مقتول قمه را از داخل ماشین به بیرون پرتاب کرد که لبه قمه به صورتم خورد و زخمی شدم. راننده ۲۰۶ هم با چاقو به دست سپهر زد. همان لحظه چاقویی که در جیب داشتم را بیرون آوردم و به سمت شیشه ماشین پرتاب کردم. چاقو به شیشه برخورد کرد و شیشه شکست. حتی نوک چاقو هم پرید، اما مطمئن هستم این چاقو به هیچ کسی برخورد نکرد.»

متهم در ادامه گفت: «دقایقی از این درگیری نگذشته بود که سرنشینان ۲۰۶ دور شدند و سپهر با موتور آنها را تعقیب کرد. نگران شدم و برادرم و دوستانم را صدا کردم. همان موقع راننده ۲۰۶ با ماشین حرکت کرد و به پای یکی از دوستانم به نام مجتبی خورد. برادرم، حامد بلافاصله مجتبی را سوار ماشین کرد تا او را به بیمارستان برساند. در بیمارستان بود که متوجه شدیم مقتول فوت کرده است. با این خبر ترسیدیم و همراه سپهر به مشهد فرار کردیم.»

متهم در خصوص فرار از کشور گفت: «راهی غیر از فرار نداشتم به همین خاطر همراه یکی از دوستانم قاچاقی از ایران به ترکیه رفتیم. پس از چند روز با یک جاعل آشنا شدیم که در عوض ۴۰ میلیون تومان برایمان پاسپورت جعلی درست کرد. ما با پاسپورت جعلی به یونان رفتیم، اما پلیس یونان متوجه جعلی بودن پاسپورت شد و ما را به ترکیه بازگرداند. من در ترکیه در شرایط بدی بودم که شبانه و با کمک یکی از نگهبانان که به او پول داده بودم، توانستم فرار کنم و به ایران برگردم. آنجا بود که به محض ورود به ایران به اداره پلیس رفتم و حقیقت را گفتم.»

سپس برادر کیوان که چند ماه قبل به اتهام قتل یکی از دوستانش دستگیر شده بود و از زندان به دادگاه اعزام شده بود به اتهام شرکت در نزاع دسته جمعی در جایگاه ایستاد، گفت: «وقتی برادرم به اتهام قتل گرفتار شد من در خانه یکی از دوستانم نشسته بودم و با هم مشروب می‌خوردیم. حالت طبیعی نداشتیم که دوستم به شوخی به رویم چاقو کشید و من چاقو را از دست او گرفتم و نمی‌دانم چطور چاقو وارد شکم او شد. باور کنید در آن درگیری حضور نداشتم و فقط به دوست برادرم کمک کردم تا او را به بیمارستان برسانم.»

در ادامه دیگر متهمان که به اتهام شرکت در نزاع دسته‌جمعی با اقرار وثیقه آزاد بودند از خودشان دفاع کردند.

در پایان هیئت قضایی وارد شور شد.

سرقت طلایی به سبک داستان‌های تخیلی

مرد تبهکار با دستکاری در یک کارت عابربانک سرقت شده که موجودی چند صدمیلیون تومانی داشته‌است، موفق شده کاری کند که با وجود اعلام سرقت شدن کارت، همچنان موجودی آن شارژ بماند و سارق به برداشت‌های طلایی‌اش ادامه دهد. چیزی که بیشتر به داستان‌های تخیلی شباهت دارد تا واقعیت‌های موجود. با هوشیاری یکی از طلافروشی‌های تهران سه نفر از متهمان پرونده بازداشت شده‌اند اما عامل اصلی متواری است.

به گزارش خبرنگار ما، این خبر را روز گذشته سرهنگ امیرهوشنگ امیری، رئیس کلانتری ۱۱۳ بازار تهران اعلام کرد و گفت که مأموران کلانتری‌اش موفق شدند سه نفر از همدستان متهم اصلی را که در حال حاضر متواری است در یکی از طلافروشی‌های حوالی بازار تهران بازداشت کنند.

ماجرا از این قرار است که پانزدهم تیرماه صاحب یکی از طلافروشی‌های محدوده بازار با مرکز فوریت‌های پلیس ۱۱۰ تماس می‌گیرد و می‌گوید به چهار مرد که برای خرید طلا وارد مغازه‌اش شده‌اند مشکوک است و احتمال می‌دهد که آنها سارق یا کلاهبردار باشند. او توضیح داد: مشتریان درخواست خرید مقداری طلا به ارزش ۱۸۰ میلیون تومان دارند. آنها کارت عابربانکشان را به من داده‌اند که کارت را بررسی و متوجه شدم چند صد میلیون تومان موجودی دارد با این حال من به دور از چشمان آنها با بانک صادر کننده کارت تماس گرفتم که رئیس بانک گفت کارت عابربانک اعلام سرقت شده و از طرف مالک آن سوزانده شده است!

بعد از قطع شدن تماس صاحب طلافروشی با پلیس ۱۱۰، تیمی از مأموران تجسس کلانتری ۱۱۳ بازار به سرعت خودشان را به طلافروشی رساندند. آنها وقتی وارد شدند و متوجه شدند که یکی از چهار مظنون محل را ترک کرده و از او خبری نیست بنابراین یکی از مظنونان را داخل مغازه و دو نفر دیگر را که بیرون مراقب اوضاع بودند، بازداشت و به کلانتری منتقل کردند. هر چند که آنها گفتند از ماجرای سرقت کارت خبر ندارند، اما با رو شدن دستشان از طرف پلیس، اتهام را به گردن همدست فراری‌شان انداختند و گفتند که همگی اعضای یک باند هستند و مرد فراری هم که از مجرمان سابقه‌دار و کلاهبردار حرفه‌ای است سردسته‌شان است.

یکی از متهمان گفت: ما همگی اهل شهرستان هستیم و مدتی قبل کارت عابربانک مرد پولداری را در شهرستان تبریز سرقت کردیم. وقتی از موجودی حساب با خبر شدیم سردسته‌مان با مهارتی که داشت، توانست کاری کند کارت سرقت شده با وجود گزارش سرقت و سوزانده شدن کارت، موجودی حساب را نگه دارد به خاطر همین ما می‌توانستیم هر چقدر که بخواهیم با خریدهای مختلف از حساب برداشت کنیم. ما در یکی از خریدهایمان ۳۶۰ میلیون تومان خرید کردیم و قصد خرید ۱۸۰ میلیون تومان طلا را داشتیم که گرفتار شدیم. او همچنین گفت: سردسته باند در هر کدام از خریدها به هر کدام از ما بین ۱۰ تا ۱۵ میلیون تومان پول می‌داد.

در شاخه دیگری از تحقیقات مأموران کلانتری با بررسی سوابق کارت سرقت شده متوجه شدند که صاحب کارت در پلیس فتای تبریز اعلام شکایت کرده و به مأموران گفته است با وجود اینکه با مراجعه به بانک کارت خود را سوزانده و از دسترس خارج کرده است اما نمی‌داند چرا از حساب او برداشت می‌شود!

سرهنگ امیری گفت: در حالی که تحقیقات پلیس برای بازداشت سردسته باند در جریان است سه عضو باند با وثیقه سنگین از سوی قاضی راهی زندان شدند.

راننده عبوری پسر عاشق پیشه را نجات داد

رقابت عشقی تا یک قدمی مرگ

پسر جوان با همدستی یکی از دوستانش رقیب عشقی‌اش را ربود و با چاقو زخمی کرد. متهمان که فکر می‌کردند رقیب عشقی به کام مرگ رفته است تصمیم به فرار از کشور داشتند که به دام مأموران پلیس گرفتار شدند.

به گزارش خبرنگار ما، چندی قبل مردی به اداره پلیس رفت و گفت پسر جوانش به نام شروین به طور ناگهانی گم شده است.

وی گفت: خانه ما در یکی از خیابان‌های جنوبی تهران است. امروز عصر پسرم برای انجام کاری از خانه بیرون رفت و دیگر به خانه برنگشت. ابتدا فکر کردیم با دوستانش به تفریح رفته‌است، اما وقتی شب به خانه برنگشت نگرانش شدیم و به دنبالش گشتیم، اما هیچ ردی از او نیافتیم تا اینکه تصمیم گرفتیم از مأموران پلیس درخواست کمک کنیم.

در حالی که مأموران تحقیقات برای یافتن پسر جوان را آغاز کرده‌بودند شاکی دوباره به اداره پلیس رفت و گفت راننده پرایدی پیکر نیمه‌جان پسرش را در بیابان‌های اطراف تهران پیدا کرده و به بیمارستان منتقل کرده است و الان هم به خاطر ضربات چاقویی که به او اصابت کرده و خونریزی شدید بی‌هوش است و پزشکان در تلاشند تا شروین را نجات دهند. با پیدا شدن پیکر خونین پسر گمشده پرونده وارد مرحله تازه‌ای شد و مأموران تحقیقات برای شناسایی عامل یا عاملان حادثه را آغاز کردند تا اینکه دریافتند شروین پس از دو روز بستری و عمل جراحی در بیمارستان به هوش آمده است.

■ عامل آدم‌ربایی خونین رقیب عشقی بود

شروین در تحقیقات پلیسی گفت: مدتی قبل با دختر جوانی به نام مهتاب آشنا شدم. او از دختران محله ما بود و من خیلی به او علاقه پیدا کردم و پیشنهاد ازدواج دادم. مدتی گذشت و ارتباط ما ادامه داشت و گاهی یکدیگر را در داخل خیابان یا پارک می‌دیدیم. من عاشق دلباخته او شده بودم و قرار بود موضوع را با خانواده‌ام در میان بگذارم و به زودی به خواستگاری‌اش بروم که متوجه شدم پسر دیگری هم عاشق او است. رقیب عشقی‌ام همیشه مرا تهدید می‌کرد و می‌گفت او قرار است با مهتاب ازدواج کند و من باید او را فراموش کنم. اما من مهتاب را دوست داشتم و از طرفی هم تهدیدهای رقیب عشقی‌ام را جدی نگرفتم تا اینکه روز حادثه برای دیدن یکی از دوستان قدیمی‌ام از خانه خارج شدم و وقتی به خیابان خلوتی رسیدم ناگهان خودروای کنارم توقف کرد و دو پسر جوان که بعداً فهمیدم یکی از آنها رقیب عشقی‌ام است از خودرو پیاده شدند و مرا به زور سوار خودرو کردند. آنها ابتدا داخل خودرو مرا به شدت کتک زدند تا جایی که نفسم بالا نمی‌آمد و بعد هم تهدید به مرگ کردند و به راه افتادند. دو پسر جوان خودرو را در اطراف تهران نگه داشتند و دوباره مرا کتک زدند. هر چقدر التماس کردم مرا رها کنند فایده‌ای نداشت تا اینکه با چاقو مرا زخمی کردند و بی‌هوش شدم. بعد از آن چیزی نفهمیدم تا اینکه دو روز بعد در بیمارستان به هوش آمدم و متوجه شدم راننده عبوری جان مرا نجات داده‌است.

■ فکر می‌کردم رقیب عشقی‌ام فوت کرده است

پس از تحقیق از شاکی، تحقیقات مأموران نشان داد عاملان حادثه که فریدون و نعمت نام دارند پس از حادثه به مکان نامعلومی گریخته‌اند و قصد دارند تا چند روز دیگر از کشور فرار کنند. بدین ترتیب دو متهم تحت تعقیب مأموران قرار گرفتند تا اینکه چند روز قبل متهمان دستگیر شدند. فریدون، متهم اصلی پرونده در ادعایی گفت: چند سالی است عاشق دختری به نام مهتاب هستم. قرار بود ما دو نفر با هم ازدواج کنیم تا اینکه چندی قبل متوجه شدم شروین برای دختر مورد علاقه‌ام مزاحمت ایجاد می‌کند. هر چقدر تلاش کردم او را منصرف کنم فایده‌ای نداشت. از سوی دیگر مهتاب هم به او جواب رد داده بود، اما شروین همیشه در خیابان مزاحم او می‌شد تا جایی که به من شکایت کرد و من هم تصمیم گرفتم او را تنبیه کنم و بترسانم. بعد از آن بود که موضوع را به دوستم نعمت گفتم و از او خواستم به من کمک کند تا شروین را کتک بزنیم و او هم قبول کرد. روز حادثه او را تعقیب کردیم و وقتی به محل خلوتی رسید به زور سوار خودرواش کردیم و به حوالی تهران رفتیم.

■ قصد فرار از کشور را داشتیم

ابتدا با او حرف زدیم، اما وقتی قبول نکرد او را کتک زدیم و در آخر هم با چاقو او را زخمی کردم تا بترسد و برای دختر مورد علاقه‌ام مزاحمت ایجاد نکند. وقتی با چاقو او را زدم بی‌هوش شد و فکر کردیم او فوت کرده است که پیکر خونینش را در همانجا رها کردیم و به تهران برگشتیم. خیلی ترسیده بودیم و تصمیم گرفتیم قبل از اینکه به جرم قتل عمد دستگیر شویم از کشور فرار کنیم که مأموران ما را دستگیر کردند.

تحقیقات از متهمان ادامه دارد.

ممنوعیت فروش اسباب‌بازی‌های شبه‌سلاح

فرمانده انتظامی تهران بزرگ از ممنوعیت فروش اسباب‌بازی‌های شبه سلاح در فروشگاه‌ها خبر داد.

سردار حسین رحیمی درباره فروش اسباب بازی‌ها و اقلام شبیه به هفت تیر و... در فروشگاه‌ها گفت: خوشبختانه در این زمینه هماهنگی خوبی میان پلیس و اصناف وجود دارد و اصناف به این مسئله و شبه سلاح‌هایی که استفاده از آنها خلاف است واقف هستند. وی با بیان اینکه برخی از این وسایل ممکن است سبب شود تا شهروندان در روبه رو شدن با افراد زورگیر دچار اشتباه شده و گمان کنند که سلاح واقعی است، گفت: اصناف آگاه هستند و این موارد به واحدهای صنفی نیز اطلاع داده شده است.

فرمانده انتظامی تهران بزرگ افزود: اگر این قبیل سلاح‌ها در مغازه‌ای باشد، خلاف قانون و جرم است و طبیعتاً اگر پلیس نیز از وجود آنها با خبر شود، برابر قانون با این تخلف برخورد خواهد شد.

طرح برخورد با پلاک مخدوش موتور سواران اجرایی شد

رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی تهران بزرگ گفت: از روز گذشته طرح برخورد و ساماندهی پلاک موتور سیکلت سواران در پایتخت اجرایی شد.

سردار محمدرضا مهماندار گفت: متأسفانه مشاهده می‌شود تعدادی از موتور سیکلت سواران بوسیله قفل و زنجیر یا حتی پارچه و طلق پلاک موتورشان را می‌پوشانند که رفتار آنها به هیچ عنوان قابل قبول و پذیرش نیست. سردار مهماندار ادامه داد: پلاک اساساً همان چیزی است که راهنمایی و رانندگی تحویل مالکان موتور سیکلت و خودرو می‌دهد و کسی حق ندارد چیزی اضافه روی پلاک بچسباند. وی گفت: براساس قانون جرم پوشاندن و مخدوش کردن پلاک‌ها شش ماه تا یکسال حبس است که در صورت مشاهده این تخلفات، رانندگان به دادسرا مربوطه معرفی خواهند شد. رئیس پلیس راهور تهران بزرگ گفت: علاوه بر معرفی افراد به دادسرا براساس قانون رانندگان ۶۰ هزار تومان نیز جریمه می‌شوند.

کشف جسد در فضای سبز

مأموران پلیس تهران جسد مرد جوانی را در فضای سبز کنار بزرگراه فتح که به طرز مرموزی به کام مرگ رفته بود، کشف کردند.

به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۱۴:۳۰ بعد از ظهر دوشنبه اول مردادماه قاضی دشتبان، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران باتماس تلفنی مأموران کلانتری تهرانسر از کشف جسد مرد جوانی در حوالی بزرگراه فتح با خبر و همراه تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی راهی محل شد. تیم جنایی در محل حادثه با جسد مرد ناشناسی که هیچ مدرک هویتی نداشت در فضای سبز پل آزادگان در بزرگراه فتح روبه‌رو شدند که معاینات پزشکی قانونی نشان داد حدود ۲۴ ساعت از مرگ وی گذشته‌است.

مرد بنگاهدار اتهام تعرض را انکار کرد

مرد بنگاهدار که متهم است دختر شهرستانی را با وعده پیدا کردن کار فریب داده و به او تعرض کرده در جلسه دادگاه جرمش را انکار کرد.

به گزارش خبرنگار ما، بیست و ششم بهمن‌سال ۹۵، دختری به نام مهسا با مراجعه به کلانتری ۱۷ شهر جدید پرند از پسری به نام نادر به اتهام تعرض شکایت کرد و گفت: «خواهر بزرگترم طلاق گرفته است و دو خواهر و برادر دیگرم از من کوچکتر هستند. پدرم بعد از بازنشستگی به خاطر بیماری توان کار کردن نداشت به همین دلیل تصمیم گرفتم کمک خرج خانواده باشم. مدتی در شهرمان مشغول تدریس خصوصی شدم، اما درآمدم خوب نبود به همین خاطر دو ماه قبل به تهران آمدم. ابتدا به شهر پرند رفتم و با پس‌اندازی که از قبل داشتم خانه‌ای با قیمت مناسب اجاره کردم. هر چه گشتم شغلی که درآمد خوبی داشته‌باشد پیدا نکردم و از طرفی پس‌اندازم در حال تمام شدن بود به همین خاطر به چند بنگاه معاملات مسکن رفتم تا یک یا چند همخانه پیدا کنم تا هزینه‌هایم کمتر شود. آنجا بود که با نادر که مدیر یک بنگاه بود آشنا شدم.»

شاکی در حالیکه گریه می‌کرد، گفت: «نادر همان روز از من اطلاعات گرفت و فهمید از شهرستان آمده‌ام و دنبال کار هستم به همین دلیل شماره‌ام را گرفت و قرار شد تماس بگیرد. یک‌ماه گذشت و روزی تماس گرفت و گفت برایم یک کار مناسب و یک هم‌خانه‌ای پیدا کرده است. وقتی به بنگاه نادر رفتم، گفت برای کار باید از من تست کامپیوتر بگیرد. او به همین بهانه من را به خانه‌اش کشاند و بدون توجه به التماس‌هایم به زور تعرض کرد که شکایت دارم.» بعد از طرح این شکایت، پسر جوان شناسایی و بازداشت شد، اما جرمش را انکار کرد و گفت شاکی دروغ می‌گوید او قصد اخاذی داشت. متهم بنا به شواهد و قرائن موجود همچنین نظریه پزشکی قانونی روانه زندان شد و پرونده بعد از کامل شدن تحقیقات به شعبه دوازدهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

صبح دیروز پرونده مقابل هیئت قضایی به ریاست قاضی تولیت و مستشار ملکی قرار گرفت. بعد از قرائت کیفرخواست از سوی نماینده دادستان، شاکی در جایگاه ایستاد و ماجرا را شرح داد. او در ادامه گفت: «باور کنید در شرایط سختی بودم و فکر نمی‌کردم او نیت شیطانی دارد. متهم مرا به بهانه کار و درآمد خوب وسوسه کرد من به خاطر نادانی‌ام به او اعتماد کردم.»

سپس متهم در جایگاه قرار گرفت و با انکار جرمش گفت: «برادرم در پرند خانه‌ای خرید و من بعد از دیپلم پیش او رفتم و همانجا با اجاره مغازه مشغول کار املاک شدم. روزی شاکی به بنگاه آمد و فهمیدم دنبال کار است. در یک پوشاک زنانه برایش کار پیدا کردم. او به آنجا رفت اما وقتی برگشت گفت حقوقش خیلی کم است. بعد از آن در چند مرحله به او پول دادم اما به وی تعرض نکردم.» متهم در پاسخ به سؤال هیئت قضایی مبنی بر پیامک‌های ارسال شده درباره هزینه عمل جراحی به خاطر صدماتی که به شاکی زده است، گفت: «من به او آسیبی نرساندم و شاکی به دروغ گفته بود بیمار است. حتی یک بار به مطب پزشک متخصص رفتیم و هزینه آنرا نیز پرداخت کردم.» بعد از دفاعیات متهم، شاکی بار دیگر در جایگاه ایستاد و گفت: «بعد از نظر به پزشکی قانونی نادر پیامک داد و خودش پیشنهاد عمل جراحی داد و قرار شد هزینه آنرا نیز پرداخت کند، اما قبول نکردم و دنبال شکایتم را گرفتم.» در پایان هیئت قضایی وارد شور شد.

هشدار به خانواده‌ها

به دختران شهرستانی جویای کار در شهرهای بزرگ از جمله تهران باید هشدار داد که شیاطین در کمین هستند تا عفت آنها را بگیرند و بعد رهایشان کنند. بسیاری از دختران با حیله‌های این دسته از شیاطین آشنایی ندارند و از آنجائیکه تجربه برخورد با اینگونه افراد را ندارند، نمی‌توانند تشخیص فریب یا خیرخواهی آنها را بدهند. بنابراین تا جائیکه ممکن است والدین باید از آمدن آنها به شهرهای بزرگ جلوگیری کنند در غیر اینصورت نیاز است آنها را حتماً همراه فردی مطمئن یا بستگان نزدیک قابل اعتماد که لحظه به لحظه از آنها مراقبت و همراه کنند وگرنه آسیبی که متوجه بزه‌دیدگان می‌شود قابل جبران نیست. بسیار از افراد مثل قربانی این پرونده در جریان پیدا کردن خانه و کار گرفتار شیاطین می‌شوند، سرانجام دختران عفت و پسران اموالشان مورد تعرض قرار می‌گیرد. ذکر این نکته هم اهمیت دارد که خانواده‌ها امید نداشته باشند هر چه پیش آمد در دادگستری حل می‌شود. نکته مهم دیگر اینکه در صورت بروز خطا و اشتباه ادعای قربانیان ثابت نمی‌شود و برای دادگاه قابل پذیرش نیست. در قانون، عنف اعدام دارد اما قانون بی‌احتیاطی‌ها را هم نمی‌پذیرد.. تصور افراد این است، عنف به راحتی قابل اثبات است، اما اینطور نیست و باید مدتها رفت و آمد کنند و دلیل بیاورند تا ادعای آنها آن‌هم تا حدی ثابت شود.

سارق در و پنجره خانه تاریخی حکیم نصیر دستگیر شد

سارق در و پنجره‌های خانه تاریخی حکیم نصیر در استان کرمانشاه هنگام حمل آنها از سوی نیروهای یگان حفاظت میراث فرهنگی دستگیر شد.

به گزارش خبرنگار ما، سردار سرتیپ دوم امیر رحمت‌اللهی، فرمانده یگان حفاظت میراث فرهنگی با اعلام این خبر گفت: روز یکشنبه آخرین روز تیرماه امسال مأموران یگان حفاظت میراث فرهنگی استان کرمانشاه هنگام گشت‌زنی در حوالی خانه تاریخی حکیم نصیر به مردی که در حال حمل در و پنجره قدیمی بود مشکوک شدند. مأموران یگان حفاظت پس از بررسی‌های میدانی دریافتند این مرد سارق است که دقایقی قبل در و پنجره خانه تاریخی حکیم نصیر را سرقت کرده است. بنابراین سارق را دستگیر کردند و برای روشن شدن زوایای پنهان این حادثه و تحقیقات بیشتر، وی را در اختیار مأموران کلانتری محل قرار دادند. وی با بیان اینکه یگان‌های حفاظت میراث فرهنگی برای پیشگیری از سرقت و تخریب بناهای تاریخی اقدامات حفاظتی و گشت‌های نوبه‌ای خود را افزایش داده‌اند، افزود: پس از دستگیری متهم، در و پنجره‌های سرقتی به خانه تاریخی حکیم نصیر منتقل و در مکان اولیه آن نصب شد.

آگهی اجرائیه

مشخصات محکوم له: زینب استاد اسمعیلی نام پدر محمد نبی نشانی استان تهران شهرستان تهران شهر تهران افسریه بین ۱۵ متری اول و اتوبان خ ۲۸ پ ۱۷۰ ط اول مشخصات محکوم علیه: سیاوش سلگی نام پدر علی جعفر نشانی تهران افسریه بین ۱۵ متری اول و اتوبان خ ۲۸ پ ۱۷۰ ط اول محکوم به: به موجب درخواست اجرای حکم مربوطه به شماره ۹۷۱۰۰۹۰۲۰۱۲۰۰۰۶۳ و شماره دادنامه مربوطه ۹۶۰۹۹۷۰۲۰۱۲۰۰۸۸۴ محکوم علیه محکوم است به پرداخت مهریه زوجه که ۵۰۰ عدد سکه بهار آزادی می باشد تعداد ۱۰ عدد سکه را زوجه در قبال طلاق بذل و زوج نیز قبول بذل نمودند و مابقی مهریه را زوج به صورت قیمت یک سکه تمام بهار آزادی به نرخ روز به حساب بانک پاسارگاد به شماره کارت ۵۰۲۲۲۹۱۰۵۵۹۹۹۱۹۵ به نام خانم زینب استاد اسماعیل واریز گردیده تا استهلاک کامل مهریه و در خصوص نفقه فرزندان پسر ۸ ساله و پسر ۱۰ ماهه ماهیانه ۲ میلیون تومان برعهده زوج می باشد که حساب فوق واریز و سالیانه ۰/۰۲۰ به مبلغ نفقه افزوده می شود هزینه نیم عشر دولتی در اجرا به عهده محکوم علیه می باشد.

۱۱۰/۴۱۱۵۶ت رئیس شعبه ۲۴۲ دادگاه خانواده مجتمع قضایی خانواده یک تهران

آگهی ابلاغ وقت دادرسی و دادخواست و ضمائم به

کلاسه پرونده ۹۷۰۴۰۹ وقت رسیدگی ۹۷/۶/۱۳ ساعت ۱۱ خواهان: پریا فضل اله فرزند حسین - محمد صادق اردستانی جعفری فرزند عباس با وکالت ناهید نظری خوانده: حسین فضل اله خواسته: اذن در ازدواج خواهان دادخواستی تسلیم دادگاه خانواده نموده که جهت رسیدگی به شعبه ۲۳۳ ارجاع گردیده و وقت رسیدگی تعیین شده به علت مجهول المکان بودن خوانده و به درخواست خواهان و دستور دادگاه و به تجویز ماده ۷۳ قانون دادرسی مدنی مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می شود. تا خوانده از طریق نشر آگهی ظرف یک ماه به دفتر دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دوم دادخواست و ضمائم را دریافت نماید.

۱۱۰/۴۱۱۵۴ت رئیس شعبه ۲۳۳ دادگاه خانواده یک تهران

آگهی ابلاغ وقت رسیدگی و دادخواست و ضمائم به خانم زهره چقائی فرزند

خواهان آقای حسن عماری اله یاری دادخواستی به طرفیت خوانده خانم زهره چقایی به خواسته تمکین مطرح که به این شعبه ارجاع و به شماره پرونده کلاسه ۹۷۰۹۹۸۰۲۰۰۸۰۰۵۳۸ شعبه ۲۳۸ دادگاه خانواده مجتمع قضایی خانواده یک تهران ثبت و وقت رسیدگی مورخ ۱۳۹۷/۶/۱۷ ساعت ۱۰:۰۰ تعیین که حسب دستور دادگاه طبق موضوع ماده ۷۳ قانون آئین دادرسی مدنی به علت مجهول المکان بودن خوانده و درخواست خواهان مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می گردد تا خوانده پس از تاریخ انتشار آگهی به دفتر دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه ثانی دادخواست و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی در دادگاه حاضر گردد.

۱۱۰/۴۱۱۵۰ت رئیس شعبه ۲۳۸ دادگاه خانواده مجتمع قضایی خانواده یک تهران

اصلاحیه

آگهی به ۱۱۰/۳۶۳۱۵ مورخ ۹۷/۴/۲۱ نام احمدی از شاکیان اکرم آب‌نیکی صحیح می‌باشد که بدینوسیله اصلاح می‌گردد.

مدیر شعبه اول دادگاه عمومی بخش رودبار قصران- طیب

دادنامه

پرونده کلاسه ۹۶۰۹۹۸۰۲۲۹۱۰۱۰۳۸ شعبه ۳۱ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید مدنی تهران تصمیم نهایی شماره ۹۷۰۹۹۷۰۲۲۹۱۰۰۳۳۲ خواهان: آقای مرتضی اوزهی فرزند محمدقربان با وکلت اقای احد قنبری فرزند کرم علی به نشانی استان تهران شهرستان ورامین جنب داروخانه علیدوستی روبروی دادگستری خوانده : آقای بابک مرادی خانی فرزند اصغر به نشانی مجهول المکان خواسته ها: ۱ مطالبه خسارت دادرسی ۲ مطالبه خسارت تاخیر تادیه ۳ مطالبه وجه چک گردشکار- خواهان دادخواستی به خواسته فوق به طرفیت خوانده بالا تقدیم داشته که پس از ارجاع به این شعبه و ثبت به کلاسه فوق و جری تشریفات قانونی در وقت مقرر دادگاه به تصدی امضاکننده ذیل تشکیل است و با توجه به محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و به شرح زیر مبادرت به صدور رای می نماید. رای دادگاه: در خصوص دعوی اقای مرتضی اوزهی فرزند محمدقربان با وکالت آقای احمد قنبری فرزند کرم علی به طرفیت آقای بابک مرادی خانی فرزند اصغر به خواسته مطالبه مبلغ ۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال بابت دو فقره چک به شماره های ۱- ۱۳/۹۹۹۹۴۹ تاریخ ۱۳۹۵/۸/۱۵ به مبلغ ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال ۲- ۱۳/۹۹۹۹۵۲ تاریخ ۱۳۹۵/۸/۳۰ به مبلغ ۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال هر دو از حساب جاری ۱۱۷۸۸۰۰۳۹/۶۰۵ به عهده بانک سپه شعبه مهمات سازی و مطالبه خسارات دادرسی و مطالبه خسارت تاخیر تادیه با توجه به محتویات پرونده تصویر مصدق ۲ فقره چک مستند دعوی و گواهینامه عدم پرداخت آنها که بقای اصل آنها نزد خواهان دلالت بر اشتغال ذمه خوتنده به میزان مبلغ چکها دارد و از طرفی مشارالیه با وصف ابلاغ قانونی در جلسه دادرسی حضور نیافته و دلیلی بر برائت ذمه خود ارائه ننموده و مستندات خواهان مصون از ایراد مانده است بنابراین خواسته خواهان ثابت است و دادگاه به استناد مواد ۳۱۲ و ۳۱۳ قانون تجارت تبصره الحاقی ماده ۲ قانون چک و مواد ۱۹۸، ۵۱۵، ۵۱۹ و ۵۲۲ قانون ایین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی خوانده را به پرداخت مبلغ صدرالذکر بابت اصل خواسته مبلغ ۶/۹۷۰/۰۰۰ ریال بابت هزینه دادرسی حق الوکاله وکیل طبق تعرفه قنونی و خسارت تاخیر تادیه از تاریخ چک تا وصول اصل خواسته طبق شاخص تورم اعلامی از سوی بانک مرکزی که در مرحله اجرای حکم مورد محاسبه قرار خواهد گرفت محکوم می نماید. رای صادره غیابی ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل واخواهی از سوی خوانده در این دادگاه و پس از انقضای مهلت واخواهی ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در محاکم محترم تجدیدنظر استان تهران می باشد.

۱۱۰/۴۱۱۴۹ت رئیس شعبه ۳۱ دادگاه عمومی حقوقی تهران

آگهی وقت رسیدگی

درخصوص دادخواست خواهان حمید علیزادگان بطرفیت خوانده حاجی مقیدی به خواسته مطالبه وجه که در شعبه پنجم شورای حل اختلاف برازجان به شماره کلاسه ۹۷/۸۹حت رسیدگی می‌باشد و نظر به مجهول المکان بودن خوانده و تقاضای خواهان و دستور رئیس شعبه حسب ماده ۷۳ قانون آئین دادرسی مدنی مرتب یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشار آگهی وخوانده ظرف یکماه از تاریخ نشر آگهی در وقت مقررمورخ ۹۷/۶/۱۰ روزشنبه ساعت ۹ جهت رسیدگی حاضر در غیر اینصورت شورا غیابا رسیدگی و تصمیم لازم اتخاذ خواهد نمود.

م‌الف: ۴۸۶ رئیس حوزه پنجم شورای حل اختلاف شهر برازجان- حیدرحقانی

به جوان دوباره نگاه کن
Javanonline.ir